



درس سوم نظم اجتماعی

چند وقت پیش با پدرم برای تماشای شهرآورد استقلال و پرسپولیس به ورزشگاه آزادی رفتیم. از قبل، بلیت اینترنتی تهیه کرده بودیم. بعد از ماه‌ها انتظار، با کلی ذوق و شوق، چند ساعت زودتر راهی ورزشگاه آزادی شدیم. در راه رسیدن به ورزشگاه، ترافیک بسیار سنگین بود. انبوه دست‌فروش‌ها، کاسبی می‌کردند. زباله‌های روی زمین، منظره ناخوشایندی ایجاد کرده بود. اوضاع درهم و برهمی بود. به سختی وارد محوطه استادیوم شدیم و جمعیت بسیار زیاد آبی‌ها و قرمزها را دیدیم. با اینکه نزدیک چهار ساعت به شروع بازی مانده بود، استادیوم پر شده بود. می‌گفتند که مردم از صبح زود منتظر ورود به ورزشگاه بوده‌اند. حتی بعضی‌ها شب قبل، از شهرستان آمده و بیرون استادیوم چادر زده بودند. خلاصه نتوانستیم جای مناسبی برای نشستن پیدا کنیم. صندلی خالی بود ولی بعضی‌ها آنها را برای دوستانشان نگه داشته بودند. بعضی از آبی‌ها علیه قرمزها و قرمزها علیه آبی‌ها شعارهایی خجالت‌آور سر می‌دادند و... ترجیح دادیم به منزل برگردیم و بازی را از تلویزیون تماشا کنیم. هنگام برگشت، با پدرم صحبت می‌کردیم که چرا این همه جمعیت از این همه ساعت قبل به استادیوم می‌آیند و منتظر می‌مانند تا بازی شروع شود؟ چرا برخی تماشاچیان، رفتارهای نابهنجار دارند؟ و خیلی چراهای دیگر. به راستی با وجود این همه بی‌نظمی، برگزاری شهرآورد زیبا و جذاب با این تعداد زیاد از تماشاچیان چگونه امکان‌پذیر می‌شود؟

قواعد اجتماعی

چرا ما بی‌نظمی را بیشتر می‌بینیم و نظم را مشاهده نمی‌کنیم؟

با اینکه در ورزشگاه آزادی بی‌نظمی بیشتر به چشم می‌آید، ولی نظم هم وجود دارد، هر چند کمتر دیده می‌شود. در واقع ما بی‌نظمی را بیشتر می‌بینیم و نظم را مشاهده نمی‌کنیم؛ زیرا به نظم عادت کرده‌ایم. قدری تأمل کنید؛ در همان مثال ورزشگاه چه نظم‌هایی وجود دارند

که به آنها توجه نکرده‌اید؟ **در مثال ورزشگاه چه نظم‌هایی وجود دارد که به آنها توجه نکرده‌اید؟**

در روز برگزاری شهرآورد، ¹ وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به ورزشگاه وجود دارد. ² پلیس در

خیابان‌ها حضور دارد. ³ هنگام ورود به ورزشگاه، نیروی انتظامی تماشاچیان را بازرسی می‌کند،

⁴ همه بازیکنان به موقع در زمین بازی حاضر می‌شوند، ⁵ بازی سر ساعت معین شروع می‌شود،

⁶ بازی طبق قواعد از پیش تعیین شده انجام می‌شود و... [مثالهایی ذکر کنید که نشان دهد در زندگی روزمره بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید]

در زندگی روزمره نیز بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید. دانش‌آموزی که دیر به مدرسه می‌رسد ¹

² یا تکالیف خود را به موقع انجام نمی‌دهد، راننده‌ای که در شانه خاکی جاده رانندگی می‌کند یا

⁴ سبقت غیرمجاز می‌گیرد، کارمند بانکی که در پرداخت وام، آشنایان و بستگان خود را در اولویت

قرار می‌دهد، پزشکی که ⁶ بیماران خود را در مطب منتظر می‌گذارد و... بیشتر به چشم می‌آیند

در حالی که نظم‌ها از نظر ما پنهان هستند و کمتر به چشم می‌آیند؛ مثلاً دانش‌آموزان اغلب به موقع

در مدرسه حاضر می‌شوند، مردم معمولاً قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند و...



■ در زندگی روزمره بی‌نظمی بیشتر به چشم می‌آید و نظم از نظر پنهان می‌ماند. منظور از آشنایی زدایی چیست؟

جامعه‌شناسان برای شناختن نظم چه می‌کنند؟ خرداد ۱۴۰۰

ما نمی‌توانیم نظم را مشاهده کنیم به دلیل آنکه به نظم عادت کرده‌ایم. (جامعه‌شناسان برای

شناختن نظم، از امور آشنا و مانوس «آشنایی زدایی» می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه

۱- آشنایی زدایی (Defamiliarization) که معنای عادت زدایی نیز می‌دهد ابتدا در حوزه ادبیات مطرح شد و برای فرق گذاشتن میان زبان عادی و زبان شاعرانه به کار رفت و از آنجا به علوم اجتماعی راه یافت. افراد در زندگی روزمره غالباً بنا به نیازهای عملی خود با هر موقعیت اجتماعی مواجه می‌شوند؛ و معمولاً از پیچیدگی و عمق آن موقعیت می‌کاهند و آگاهی و دانش ساده و راحت‌تری از آن می‌سازند. بر اساس این دانش، عمل می‌کنند و با تکرار عمل، عادت آنها می‌شود و به صورت نوعی دانش عملی و ابزاری (چگونگی انجام کارها) در دانش عمومی آنها ذخیره می‌شود. اما جامعه‌شناس تلاش می‌کند با هنر آشنایی زدایی، از چشم‌انداز فردی غریبه به موقعیت‌های اجتماعی نگاه کند تا از این دانش عملی و عمومی عبور کند و به پیچیدگی و عمق آن موقعیت اجتماعی نزدیک‌تر شود. در واقع افراد در زندگی روزمره از دید خود و برای خود به موقعیت‌های اجتماعی می‌نگرند ولی جامعه‌شناس باید تلاش کند تا به خود موقعیت اجتماعی و ابعاد و اعماق آن نزدیک شود.

شهریور 98

دی 98

به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و در کنار بی‌نظمی، نظم را می‌شناسند.

در زندگی ما انسان‌ها نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که با هنر آشنایی‌زدایی از

امر مأنوس، می‌توان آنها را کشف کرد. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از نظم‌های پنهان زندگی خود و دیگران را مثال بزنید؟



■ راه رفتن یک کنش اجتماعی پیش یا افتاده به نظر می‌رسد ولی برای راه رفتن صحیح، هر فرد تلاش می‌کند قواعدی را رعایت کند. او فاصله و حالتی به خود می‌گیرد تا هنگام رد شدن از کنار دیگری با او برخورد نکند یا طوری به نظر نیاید که همراه دیگری راه می‌رود.

■ به گفته گیدنز گردشگران غربی وقتی نخستین بار از یک کشور مسلمان دیدن می‌کنند از صدای اذان که روزی پنج مرتبه از مناره‌ها به گوش می‌رسد، شگفت‌زده می‌شوند. این صدای زیبا و گیرا برای اکثر غربی‌ها نامأنوس اما برای ساکنان محلی جزئی از زندگی روزمره است.

شهریور 99 نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم. نظم یعنی چه؟

نظم اجتماعی چه فوایدی دارد؟ خرداد 98

1 نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان‌پذیر می‌نماید؛ باعث می‌شود

2 شما بدانید که چه توقعات و انتظاراتی می‌توانید از دیگران داشته باشید و اتفاقات غیرمنتظره،

3 شما را از همکاری با دیگران باز ندارند. آیا پیش‌بینی رفتار دیگران بر مبنای قواعد اجتماعی، همواره صحیح خواهد بود؟

ما اغلب می‌دانیم که باید از راننده تاکسی، پلیس، پزشک، همسایه یا دوست انتظار چه رفتارهایی را داشته باشیم و در مواجهه با آنها چگونه رفتار کنیم. گرچه ممکن است گاهی دانسته‌هایمان غلط از آب درآیند، دیگران مطابق انتظارات رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهند.



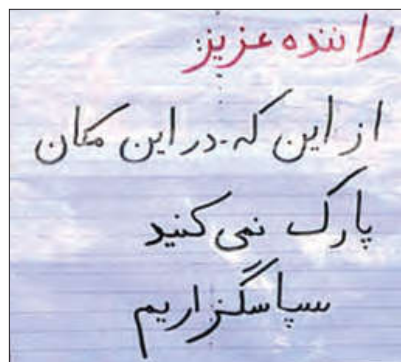
■ نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم، برقرار می‌شود اما گاهی دیگران مطابق انتظارات رفتار نمی‌کنند و حوادثی خلاف قواعد رخ می‌دهند.

نظم اجتماعی نتیجه ی چیست؟

جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی، به این پرسش‌ها توجه می‌کنند؛ قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به وجود می‌آیند؟ چگونه دوام می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

هم‌اندیشی کنید

شما وضعیت قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در جامعه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا زندگی اجتماعی فقط با قوانین رسمی سامان می‌یابد یا قواعد دیگری هم وجود دارند؟ آیا می‌توانید برخی از این قواعد غیررسمی را نام ببرید؟



■ اشیای تاریخی مربوط به هزاره سوم پیش از تاریخ که توسط چند تن از اهالی روستایی در سیستان و بلوچستان کشف و به اداره کل میراث فرهنگی استان تحویل داده شد.

نظام اجتماعی

کارکردهای قواعد اجتماعی را بنویسید

1 آموختید که قواعد اجتماعی، ارتباط ما با یکدیگر را امکان پذیر می سازند و سامان می دهند،
2 کنش های ما را برای یکدیگر قابل پیش بینی می کنند و امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می آورند. اما خود این قواعد چگونه با هم مرتبط و سازگار می شوند؟ مثلاً قواعد اقتصادی یعنی قواعد تولید، توزیع و مصرف چگونه با یکدیگر هماهنگ می شوند؟ یا قواعد اقتصادی چگونه با قواعد زندگی خانوادگی یا قواعد سیاسی هماهنگ می شوند؟ جامعه شناسان برای پاسخ به این پرسش ها، از «ساختار اجتماعی» سخن می گویند. **ارتباط میان پدیده های اجتماعی ساختار**

اجتماعی نامیده می شود. ساختار اجتماعی چگونگی رابطه و پیوند میان پدیده های اجتماعی مختلف است.

ساختار اجتماعی را در گروه های

رسمی مانند سازمان ها بهتر

می توان دید. در هر سازمانی

حقوق و تکالیف مربوط به هر

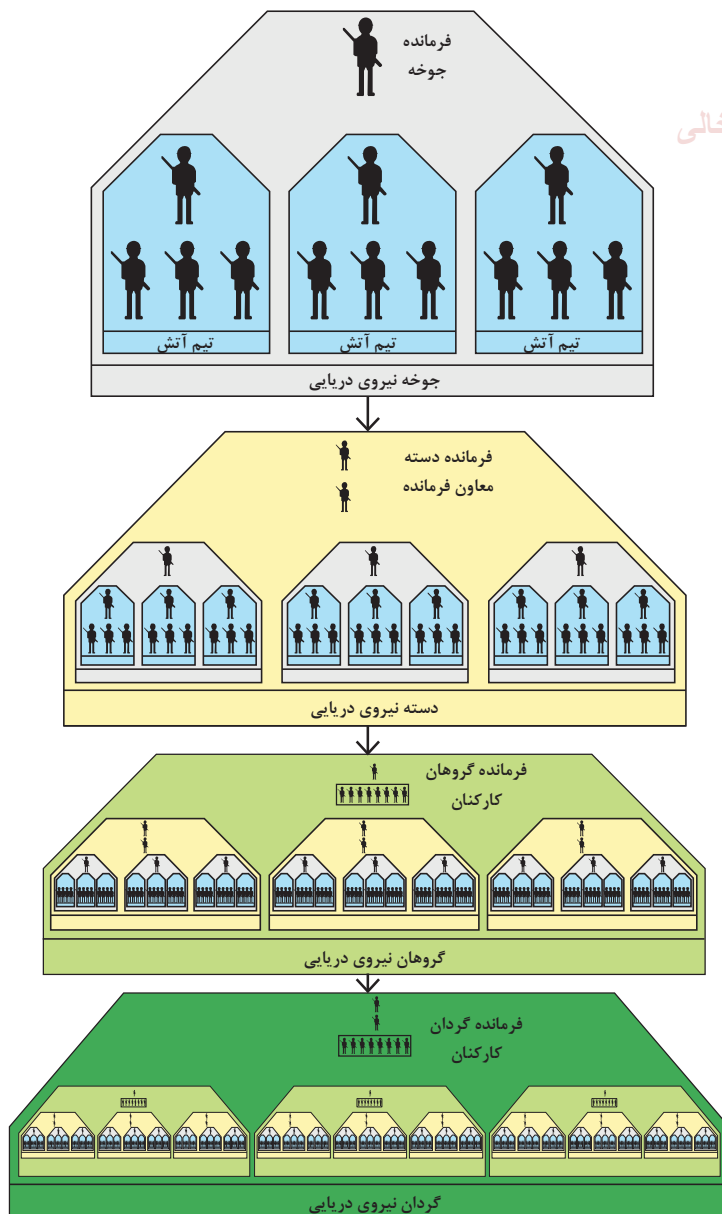
نقش، چگونگی روابط میان اعضا

و... مشخص است.

ساختار نیروی دریایی، در نمودار

روبه رو مثال خوبی از یک ساختار

اجتماعی است.



■ سنگ بنای نیروی دریایی تیم آتش است.

تیم آتش متشکل از سه تفنگدار و یک

فرمانده تیم است. نقش مربوط به هر یک از

این پایگاه ها، میزان اقتدار فرمانده، ارتباط

این سه نفر با یکدیگر و با فرمانده مشخص

گردیده است.

تیم های آتش در جوخه ها متشکل می شوند.

روابط بین تیم ها و حقوق و وظایف فرمانده

جوخه نیز مشخص گردیده است. جوخه ها

دسته ها، دسته ها گردان ها، گردان ها هنگ ها،

هنگ ها لشکرها و لشکرها نیروی دریایی را

می سازند.

نظام اجتماعی را تعریف کنید

«نظام اجتماعی» مفهوم دیگری است که با نظم ارتباط دارد. نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی یویاست. اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده،

نظام اجتماعی همان خودرو است که روشن شده و در حرکت است. شهریور 98

منظور از پویا بودن نظام اجتماعی این است که بخش های مختلف آن بر یکدیگر اثر می گذارند و از یکدیگر اثر می پذیرند. نظام اجتماعی هم می تواند در خود تغییراتی به وجود آورد، و هم می تواند در محیط خود تغییراتی ایجاد کند.* برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می کند.* رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی

است که یک نظام در خود ایجاد می کند.* نظام اجتماعی همانند یک موجود زنده تلاش می کند شهریور 1400

با تغییر در خود و محیط، نیازهای خود را تأمین کند و خود را در بلند مدت حفظ نماید. شهریور 99

آیا می دانید یک نظام اجتماعی برای تداوم خود چه نیازهایی را باید تأمین کند و برای تأمین این نیازها باید چه سازوکارهایی را فراهم آورد؟



■ در طول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، وجود خانواده های بزرگ قاعده ای کلی بود. در میانه قرن ۱۹ م هر یک از زوج های انگلیسی به طور متوسط شش فرزند داشتند.



■ امروزه اکثر جوامع صنعتی به «خاکستری شدن جمعیت» دچارند. جمعیت بالای ۶۵ سال روبه افزایش است و این، کشورها را با چالش هایی روبه رو خواهد ساخت.

↑ * یک نمونه مثال بزنید که یک نظام اجتماعی در محیط تغییر ایجاد می کند

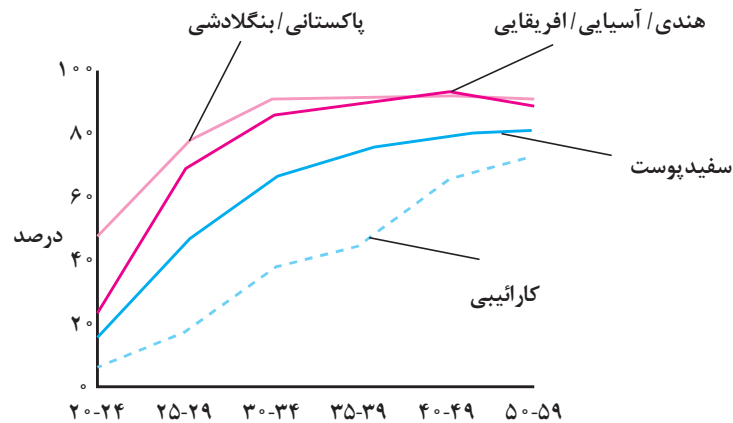
↑ * یک نمونه مثال بزنید که یک نظام اجتماعی در خود، تغییر ایجاد می کند

↑ * چرا یک نظام اجتماعی دست به تغییر می زند؟

منظور از دو پدیده "هم تغییر" چیست؟

گفت و گو کنید

گاهی تغییر در یک پدیده اجتماعی با تغییر در پدیده دیگر همراه است. این دو پدیده را «هم تغییر» می‌گویند. یعنی می‌توان تغییرات یکی از آنها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد. برخی از این هم‌تغییری‌ها قابل مشاهده‌اند و می‌توان آنها را با روش کمی و آماری مطالعه کرد. به نظر شما آیا میان بیکاری در کشور و عواملی مانند میزان دانش و مهارت دانش‌آموختگان مدارس و دانشگاه‌ها، رکود اقتصادی، ناتوانی اقتصاد در ایجاد شغل و واردات بی‌رویه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا این روابط را می‌توان مشاهده و با روش‌های کمی مطالعه کرد؟



■ پرسشنامه با پاسخ‌های چند گزینه‌ای، از ابزارهای گردآوری اطلاعات در روش‌های کمی است.

■ نسبت همه افراد بالغ ازدواج کرده به تفکیک سن و گروه‌های قومی در بریتانیا

جامعه‌شناسی تبیینی^۱

تبیین تجربی منظور از تبیین چیست؟

منظور از **تبیین**، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است. در تبیین، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به نظر می‌رسیدند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود. مثلاً حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود و رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد، یا هرچه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با محدود دانستن دانش علمی به **جاخالی**

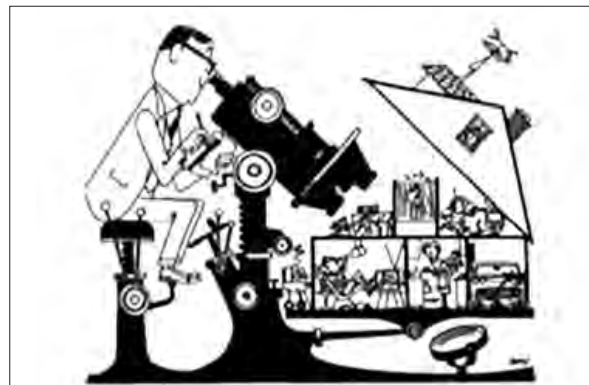
خرداد ۱۴۰۰

۱- جامعه‌شناسی تبیینی همان جامعه‌شناسی پوزیتیویستی است و پوزیتیویسم به معنی وحدت روش علوم است؛ یعنی در همه دانش‌های علمی، روش مطالعه، یکسان است و آن هم روش تجربی است.

دانش تجربی، صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد؛ یعنی تنها بیان آن دسته از روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها، دانش علمی و معتبر محسوب می‌شد که با حس و تجربه مشاهده‌پذیر باشد، زیرا چنین می‌پنداشتند که دانش علمی تنها از راه حس به دست می‌آید.



■ تندیس اگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸ م) در فرانسه



■ در جامعه‌شناسی تبیینی، روش مطالعه طبیعت و جامعه یکسان دانسته می‌شود.

از این رو جامعه‌شناسی در آغاز شکل‌گیری خود سعی کرد به علوم طبیعی به‌ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل، **اگوست کنت**، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام «فیزیک اجتماعی» را برای این رشته برگزید. این رویکرد که **جامعه‌شناسی تبیینی را تعریف کنید** را در زمره دانش‌های تجربی و ابزاری قرار می‌دهد با نام «جامعه‌شناسی تبیینی» شناخته می‌شود.

■ علوم طبیعی و علوم اجتماعی ویژگی‌های رویکرد تبیینی را بنویسید

- 1 **در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود.** بنابراین روش مطالعه آنها نیز یکسان انگاشته می‌شود. روش مطالعه جامعه، همان روشی است که در مطالعه طبیعت به کار گرفته می‌شود. همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد، لذا در این رویکرد هدف جامعه‌شناسی نیز همانند هدف علوم طبیعی است.

برای تشریح بیشتر این مطلب مثالی می‌آوریم. همه ما از خودرو استفاده کرده‌ایم. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چه اتفاقی می‌افتد که چند تکه فلز با مقداری سوخت به حرکت درمی‌آیند؟ براساس قوانین مکانیک، اگر مقداری سوخت را در یک محفظه فلزی به‌طور متراکم پخش کنیم و با جریان الکتریسیته، جرقه‌ای در آن ایجاد نماییم، سوخت منفجر می‌شود، نیرو تولید می‌کند

و با انتقال این نیرو از طریق اهرم‌های فلزی به چرخ‌ها، خودرو حرکت می‌کند؛ یعنی خودرو زمانی حرکت می‌کند که اجزای مختلف آن با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته باشند.



■ نظم اجتماعی در یکی از مدارس چین



■ و برای ماه منزل‌ها معین کردیم. (یس: ۳۹)

مثالهایی ذکر کنید که چگونگی استفاده دانشمندان علوم طبیعی از نظم و قواعد جهان طبیعی را نشان دهد

ما از خودرو استفاده می‌کنیم اما از چگونگی عملکرد اجزای آن و نظم میان آنها اطلاع دقیقی نداریم در حالی که دانشمندان با فعالیت‌های علمی، نظم و ترتیب میان این اجزا را شناخته و سپس کنترل کرده‌اند تا بتوانند از آن در ساخت خودرو استفاده نمایند. علاوه بر این، آنها تلاش می‌کنند، با استفاده از فرمول‌های ریاضی و آزمایش‌های تجربی، اجزای خودرو را به شکل بهتری کنار هم قرار دهند و نظم کامل‌تری را میان آنها برقرار نمایند تا خودروی بهتری بسازند. دانشمندان در زیست‌شناسی و پزشکی نیز همین‌گونه عمل می‌کنند و با شناخت قواعد حاکم

بر بدن، به پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آنها می‌پردازند. **موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی چه تأثیری بر جامعه‌شناسان گذاشت؟** همین موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی، باعث شد جامعه‌شناسان علاقه‌مند شوند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند. از نظر آنان جوامع از انسان‌ها، نهادها، سازمان‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند، همان‌طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

خرداد ۹۹
شهریور ۱۴۰۰

جدول مهم جامعه‌شناسی تبیینی		
موضوع	روش	هدف
پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند.	شهریور ۹۹ شهریور ۱۴۰۰ حس و تجربه (نگاه از بیرون)	پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی

خرداد ۹۹

کدام عامل، برخی جامعه‌شناسان را علاقمند کرد جامعه‌شناسی را به علوم طبیعی نزدیک و شبیه نمایند؟ موفقیت‌های بی‌سابقه علوم طبیعی

شناخت و کنترل طبیعت را امکان‌پذیر می‌سازد: شهریور ۹۸ علوم طبیعی



■ **لمبروزو، (۱۸۳۶-۱۹۰۹)** در تحقیقاتی دربارهٔ رفتار جنایی، مجسمه‌ها، اسلکت‌ها، مدل‌های مومی و اشیای متعلق به مجرمان را جمع‌آوری کرد. این مجموعه در حال حاضر در موزهٔ انسان‌شناسی جنایی در دانشگاه تورینوی ایتالیا قرار دارد.

او با **روش تبیینی** می‌خواست مجرم بودن یا نبودن را با مشاهدهٔ ویژگی‌های جسمانی و ظاهری تشخیص دهد و بدین منظور ابزارهایی مانند نبض‌نگار آبی، مجسمه‌نگار، آوانگاشت و ... را به کار گرفت.

بخوانیم و بدانیم

جامعه و نظام اجتماعی را می‌توان به موجود زنده تشبیه کرد ولی باید به این نکته توجه داشت که جامعه یک موجود زنده نیست بلکه شبیه یک موجود زنده است. برخی رویکردهای جامعه‌شناسی به تفاوت این دو عبارت توجه کافی نداشته‌اند. جامعه را می‌توان با انسان مقایسه کرد. عده‌ای جامعه را با بدن انسان مقایسه می‌کنند و عده‌ای دیگر جامعه را با روح انسان مقایسه می‌کنند. البته همان‌طور که انسان بدن و روح دارد جامعه هم بیرون و درونی دارد. جامعه‌شناسی تبیینی جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می‌داند. افراد جامعه براساس نوعی قرارداد، قواعد و مقرراتی را می‌پذیرند. این قواعد، علاوه بر اینکه نفع افراد جامعه را تأمین می‌کنند، از آنها در برابر گزندها و آسیب‌ها نیز محافظت می‌نمایند. جوامعی که نظم اجتماعی را از این منظر برقرار می‌سازند، شاید با تطمیع و تهدید و اجبار قادر باشند پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند، اما در جلب مشارکت و همکاری افراد براساس میل، رضایت و رغبت موفق عمل نمی‌کنند. از این‌رو، هر روز باید بر حجم قواعد و قوانین نظارتی، نیروها و ابزارهای کنترل‌کننده خود بیفزایند.

■ مقایسه دقیق تر طبیعت و جامعه ویژگی های قوانین طبیعی را بنویسید

ماشین و بدن براساس قوانین طبیعی عمل می کنند.¹ طبیعت بیرون و مستقل از ماست. ما آن را ² پدید نیآورده ایم و قبل از ما وجود داشته است. تلاش ما برای شناخت قوانین طبیعت به هیچ وجه این قوانین را تغییر نمی دهد. ما فقط می توانیم این قوانین را بشناسیم، سپس با استفاده از علوم طبیعی و تا جایی که قوانین طبیعی به ما اجازه می دهند، در طبیعت و پدیده هایی مانند ماشین و بدن که بر اساس قوانین طبیعی عمل می کنند، تغییراتی ایجاد نماییم و آن پدیده ها را کنترل کنیم.



■ تولید هندوانه به شکل های هندسی گوناگون



■ درختی با چند نوع میوه؛ تلفیقی از علم و هنر

اما آیا جامعه نیز همانند ماشین و بدن انسان است؟ آیا می توان طبیعت و جامعه را یکسان دانست و از همان روش های علوم طبیعی در جامعه شناسی بهره گرفت؟ آیا یکسان انگاری طبیعت و جامعه، **سوال** تسلط انسان بر جامعه را همان گونه که بر طبیعت تسلط یافته است، به دنبال خواهد داشت؟
↓
اگر جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم، یعنی آن را واقعیتهای **جواب** بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت، اداره می شود، در آن صورت ما فقط می توانیم از دانش های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده های اجتماعی را بشناسیم، اما قادر نخواهیم بود، تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم. نظم اجتماعی بیرون و مستقل از ما خواهد بود و فقط باید خود را با آن تطبیق دهیم و سازگار کنیم. **چرا یکسان دانستن طبیعت و جامعه، در جامعه شناسی تبیینی قابل نقد است؟**
یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسان ها را به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل می دهد؛

در حالی که جامعه برخلاف طبیعت، محصول و مخلوق کنش های انسان هاست و بود و نبود آن، **خرداد 99** وابسته به انسان است.

جامعه شناسی تبیین در مورد انسان چه دیدگاهی دارد؟
جامعه شناسی تبیینی که می خواست انسان را بر جامعه مسلط کند، او را مغلوب جامعه ساخت. انسان در این دیدگاه، صرفاً یک موجود طبیعی پیچیده تر از سایر موجودات طبیعی دانسته می شود.

در حالی که انسان ها با سایر موجودات طبیعی، تفاوت های بنیادی دارند. **دی 99**

تقلیل دادن انسان ها به پیچ و مهره های نظم اجتماعی در اثر چه چیزی بوجود می آید؟ **دی 98** یکسان دانستن طبیعت و جامعه

جامعه‌شناسی تبیینی در مورد تفاوت میان جوامع مختلف چه دیدگاهی دارد؟

خرداد ۱۴۰۰ [جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه را نیز صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می‌داند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می‌بیند. از این منظر برخی جوامع از برخی دیگر

پیچیده‌ترند، در رفع نیازهای خود تواناترند و به همین دلیل پیشرفته‌ترند.]

مسیر رشد و پیشرفت جوامع از دیدگاه جامعه‌شناسان تبیینی چگونه است؟ شهریور ۹۸

طرفداران این دیدگاه گمان می‌کنند که همه جوامع، مسیر یکسانی به سوی پیشرفت طی می‌کنند و از جوامع ساده به جوامع پیچیده تبدیل می‌شوند، در حالی که واقعیت این است که

چرا رویکرد جامعه‌شناسی تبیینی در مورد پیشرفت جوامع، قابل نقد است؟

دی ۹۹ انسان‌ها می‌توانند جوامع و تاریخ‌های گوناگونی را پدید آورند.



■ در دشت نازکای پرو، صدها خط ساده و شکل هندسی و شکل حیوان، حشره و انسان وجود دارد که برخی از آنها حدود ۲۷۰ متر درازا دارند. همیشه این سؤال وجود دارد که مردم نازکا (۲۰۰ ق م - ۷۰۰ م) چگونه توانسته‌اند این خطوط را رسم کنند.



■ روش اولیه ساخت پولاد دمشقی در تاریخ گم شده است. در ساخت این پولاد از نانو لوله‌ها و ریز رشته‌های کربنی استفاده می‌شده است که چگونگی آن هنوز ناشناخته است.

تأمل کنید

بی‌شک انسان نیز مانند موجودات طبیعی، ویژگی‌های مادی و حسی دارد. به همین دلیل در برخی موارد بر زندگی انسان‌ها و موجودات طبیعی، قوانین مشترکی حاکم است. ما با شناسایی این قوانین، قدرت دست‌کاری در آنها برای بهبود بخشیدن به آنها را به دست می‌آوریم. ولی بین انسان‌ها و موجودات طبیعی تفاوت‌های بنیادی نیز وجود دارد.



به نظر شما چه تفاوت‌های مهمی میان جامعه و موجودات طبیعی وجود دارد؟ آیا این ویژگی‌های متفاوت را می‌توان با روش علوم طبیعی توضیح داد؟ آیا این تفاوت‌های بنیادی، رویکردهای دیگری را برای توضیح نظم اجتماعی ضروری نمی‌سازند؟